

رویداد

خطر هرز رفتن سرمایه‌های مردمی

حسین گنجی

کارشناس ارشد اقتصاد و پژوهشگر

● سال‌هاست پرسش این است که سود بانکی کجا یابستد، بهینه‌تر است و سازوکار تعیین آن باید از دل چه نهادی و تحت چه روندی بیرون بیاید. وقتی وارد مباحث مکتوب و آکادمیک ماچرا می‌شویم، طبق نظریات اقتصاد مبتنی‌بر بازار، این سود، زاده سازوکار بازار است؛ یعنی این بازار است که با سنجش خود به نرخ سود، به تعبیر بانک، یا نرخ بهره، به تعبیر کتب اقتصاد، متناسب و بهینه می‌رسد و همواره دولت را از هرگونه دخالت در این روند برحذر می‌دارد. از سوی دیگر سرمایه‌گذاری تابعی از نرخ بهره است و یکی از فاکتورهای تعیین‌کننده درآمد ملی نیز سرمایه‌گذاری است. نرخ بهره با درآمد ملی در بازار کالا و خدمات رابطه معکوس داشته و با افزایش نرخ بهره، سرمایه‌گذاری و تقاضای کل کاهش می‌یابد و در بازار مازاد عرضه ایجاد می‌شود و موجودی انبار بالا می‌رود و در نتیجه تولید ملی و درآمد ملی کاهش می‌یابد. بنابراین علاوه بر نقش نرخ بهره در تعادل بازار پول، این عامل نقشی اساسی در تعادل بازار کالا نیز دارد. پس از یک‌سوی خودش برگرفته از بازار و از سوی دیگر خود یکی از تعیین‌کنندگان روند بازار است، به‌طوری‌که در اقتصاد مبتنی‌بر سازوکار بازار، نرخ بهره متغیر اصلی ایجادکننده تعادل میان عرضه منابع مالی (وجوه قابل استقراض) و تقاضا برای آن منابع است. نرخ بهره عاملی است که از یک طرف پند اندازها را تجهیز می‌کند و از طرف دیگر، پس‌اندازهای تجهیزشده را به نحوی کارا به مصارف مختلف (سرمایه‌گذاری) تخصیص می‌دهد. نتایج تجربی در اغلب کشورهای توسعه‌یافته و برخی از کشورهای درحال‌توسعه، حاکی است بین نرخ بهره و پس‌انداز (عرضه منابع مالی) رابطه مستقیم و بین نرخ بهره و سرمایه‌گذاری (تقاضای منابع مالی) رابطه معکوس وجود دارد.

به این معنی که با افزایش نرخ بهره، عرضه‌کنندگان منابع مالی اقدام به عرضه بیشتر منابع خود به بانک‌ها می‌کنند و از طرف دیگر تقاضاکنندگان منابع مالی، که سرمایه‌گذاران هستند، تقاضای خود را برای دریافت منابع مالی کمتر می‌کنند.

بنابراین در اقتصادهای مبتنی‌بر سازوکار بازار، نرخ بهره از تقاطع عرضه و تقاضای وجوه قابل استقراض در بازار پول به‌دست می‌آید، البته آنها همواره معتقد بودند این مهم به‌دست اتوماتیک‌وار اتفاق می‌افتد، تا اینکه بعدها نظریات کینز و بعد از آن نظریات کلاسیک‌های تعدیل‌شده، تا حدی دست دولت‌ها را برای مداخله باز گذاشتند و توصیه کردند برای اجرای درست سیاست‌ها و تنظیم بازار و جلوگیری از انسدادهای بازار و رسیدن به نقطه بحرانی، دولت‌ها می‌توانند، البته از مجراییی قانونمند، مداخلاتی داشته باشند، اما همواره در تمامی نظریات اقتصادی تصمیم یک‌باره، امرانه و بی‌ملاحظه در تعیین نرخ سود سسم دانسته شده و مکررا دراین‌باره هشدار داده شده است؛ چیزی که در سال‌های اخیر در ایران دیده شد. نه آن شکل کلاسیک اعتقاد به بازار رعایت شد و نه شکل نووکلاسیک این رویه مبنای عملکرد قرار گرفت. در اقتصادهای معتقد به سازوکار بازار آزاد، نرخ بهره می‌تواند به‌عنوان یک ابزار قوی، نقش مؤثری در سیاست‌گذاری اقتصادی ایفا کند، همان‌طوری‌که در اقتصادهایی نظیر انگلستان، آمریکا یا کشورهای صنعتی اروپایی و ژاپن، چنین نقشی ایفا می‌کند؛ برای مثال فدرال‌رزرو آمریکا، برای مقابله با رکود اقتصادی سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ میلادی، اقدام به کاهش بی‌دربی نرخ بهره و رساندن آن به حدود ۱٫۵ درصد کرد. اثرات چنین کاهشیی از طریق بازار سرمایه به بخش واقعی اقتصاد تسری پیدا کرد و موجب بهبود رشد اقتصادی آمریکا شد. این اتفاقی بود که در ایران همواره رعایت نشد. در سال‌های اخیر ما شاهد مداخله تام دولت در تعیین نرخ بهره بودیم که در رویه از سال ۸۵ به این سو، رشد بی‌حدوحصری به خود گرفت.

در ایران، به‌دلیل محدود و ضعیف‌بودن بازار سرمایه و نبود امکان خریدوفروش اوراق قرضه در بازار سرمایه، پس‌اندازکنندگان بیشترین انتخاب خود را از بین دارایی‌های منقول و غیرمنقول و طلا و ارز و سپرده بانکی انجام می‌دهند. حال وقتی شرایط با یک رکوت، رکود و نبود امنیت هم همراه باشد، این رجوع به سیستم بانکی بیشتر می‌شود و وقتی ما سیستم بانکی کشور را با نبود امنیت و آرامش مواجه کنیم، سرمایه نه‌تنها هرز می‌رود که سرگردان شده و به جای سازندگی، موجب تخریب ساخت‌های سنتی بازار نیز می‌شود. چیزی که متأسفانه باید بگویم در سال‌های اخیر ما مکررا شاهد آن بودیم. این مشکل در دولت جدید باید به این شکل برطرف شود که روند به مسیر قانونی و آرامش‌بخش خود برگردد. بانک‌ها و مشتریان و بازار نرخ بهینه را بیابند.

ادامه در صفحه ۱۹

ادامه از صفحه ۵

اگر اصل ماجرا صحت داشته باشد و دولت قبل بخش عمده آن را پیش‌خور نکرده باشد، هر قدر از این منابع بلوکه شده آزاد شود، در غیاب یک برنامه مبتنی بر عدالت اجتماعی بر سر ما همان را خواهد آورد که تزریق هزار میلیارد دلار درآمد غیرنفتی در دوره احمدی‌نژاد بر سر کشور و مردم آورد. هرچند به‌دلیل تفاوت منابع، این اتفاق با شیب کمتر نسبت به آن دوره همراه باشد. تزریق بی‌برنامه این دلارها می‌تواند بحران رکود تورمی را در ایران افزایش داده و نیروی محرکه افزایش فلاکت و تشدید فاجعه‌های انسانی- اجتماعی و زیست‌محیطی را به همراه آورد. باید امیدوار بود دولت محترم هم ارزیابی عالمانه تجربه دولت قبل را در دستور کار خود قرار دهد و از ترسی که در دل ایشان ریشه‌دوانده و می‌ترسند حتی از عدالت اجتماعی صحبت کنند. خارج شوند، البته اگر مسئله تنها ترس باشد و در ساختار انگیزشی و اعتقادی مدیریت اقتصادی کشور نسبت به ضرورت و اهمیت توسعه عادلانه و الزامات و بصیرت‌های موردنیاز آن کاستی و خللی وجود نداشته باشد. یک مسئله حیاتی‌تر در این زمینه، بی‌اعتنایی‌هایی است که به مسئله حیاتی فروپاشی نسبی طبقه متوسط درآمدی در ایران طی ۱۰سال آینده مربوط می‌شود. اگر در برنامه ششم روی این مسئله حیاتی کار جدی نشود، حتی سیاست‌های جدی فقرزدایی دولت هم کم‌ثر خواهد شد.

همکاری اجتماعی محصول عدالت اجتماعی است

حسین راغفر / اقتصاددان



مسئله عدالت اجتماعی در ایران از اصلی‌ترین اهداف انقلاب اسلامی بوده و شاهد این هستیم که به‌ویژه بعد از جنگ از اهداف عدالت اجتماعی به‌تدریج دور شده‌ایم. بخشی از آن به علت تغییر دیدگاهی است که پس از جنگ در ایران به‌وجود آمد و سیاست‌های اقتصادی کشور عملا در حوزه‌های دیگر موجب آسیب‌های جدی به فرهنگ عمومی شد. عمده اینها محصول بی‌توجهی به موضوع عدالت اجتماعی است. عدالت اجتماعی با عدالت الهی فرق می‌کند. بسیاری در کشور سعی می‌کنند برای اینکه پدیده‌ها را اسلامی کنند مسئله عدالت اجتماعی را با مسئله عدالت الهی خلط کنند و به‌همین دلیل با مشکل روبه‌رو می‌شویم. بحث عدالت الهی بسیار روشن است و کسی تردید ندارد که «هرچیزی را خداوند در سر جای خود قرار داده و هدایت کرده است»، تبعات نابسامانی اقتصادی همه محصول روابط انسان‌هاست از این رو موضوع عدالت اجتماعی موضوع عدالت توزیعی است. ما یک قرص نان داریم و هرکس برای اینکه بطور باید آن را بین جمعیت تقسیم کرد فرمولی ارائه می‌دهد. بحث بر سر این است که اصول حاکم بر این تقسیم چگونه باید باشد به نحوی که در انتها همه بپذیریم این توزیع عادلانه است. بنابراین موضوع عدالت اجتماعی، عدالت توزیعی است و هدف این عدالت توزیعی ایجاد جامعه‌ای سامان است، هدف این جامعه سامان ایجاد همکاری اجتماعی است. پس همکاری اجتماعی محصول عدالت اجتماعی است. هدف همکاری اجتماعی نیز انسجام اجتماعی است که منجر به افزایش محصول اجتماعی می‌شود. نتایج تحقق عدالت اجتماعی هم موجب کاهش هزینه‌های تولید محصول اجتماعی همراه با کاهش مخاطرات و ریسک خواهد بود که در عمل باعث ارتقای امنیت اجتماعی می‌شود. امروزه یکی از مسائلی که مورد تاکید اقتصاددانان قرار گرفته، این است که تقابلی که به‌طور سنتی در اقتصاد مطرح بوده میان عدالت و کارایی، یک تقسیم‌بندی نادرست است. این دو می‌توانند با هم اتفاق بیفتند و اتفاقا باید با هم اتفاق بیفتند و بدون هم ممکن نیست جامعه‌ای بسازیم که کارآمدی بالا توام با بی‌عدالتی داشته باشد. در تعریف عدالت باوجود تعاریف مختلفی که فلاسفه سیاسی مطرح کرده‌اند، یک عنصر مشترک وجود دارد و آن نوعی برابری است.

دولت‌ها زیر قانون اساسی زده‌اند

بحث بر سر این است که برابری در چیست؟ یک گروه می‌گویند برابری در توزیع درآمد است، گروهی می‌گویند برابری در رفاه است. بنابراین هر کدام از یک نحله فکری خاص تغذیه می‌کنند. امروزه جریانی در اقتصاد کشور حضور دارند که نه‌تنها در سیاست‌گذاری بلکه در بدنه اجرایی به‌شدت از مفهوم عدالت اجتماعی خوف دارند. علت اصلی هم این است که آنان به‌هیچ‌عنوان این مقوله را نمی‌شناسند و تصور می‌کنند منظور از عدالت اجتماعی منحصرا گرفتن از افراد صاحب ثروت و توزیع بین افراد تبیل و بیکار تحت عنوان یارانه یا نظام تأمین‌اجتماعی است. تجربه جهانی توسعه در کشورهای جنوب‌شرقی آسیا اصولا با این فکر شکل گرفت که ما چه کنیم که همه آحاد جامعه در تولید محصول اجتماعی شرکت کنند و به میزان مشارکت‌شان سهم برند. بنابراین در این فرایند مفاهیم مختلف عدالت اجتماعی مطرح شده؛ از جمله جامعه سهم‌بران که افراد در این جامعه در محصول اجتماعی شریک‌اند.

اگر یک فرد ثروتمندی صاحب ثروت می‌شود این فقط محصول خلاقیت، تلاش و نوآوری او نیست. در ایران متأسفانه افراد ثروتمند می‌شوند بدون هیچ‌کدام از این مؤلفه‌ها و اغلب بی‌ضابطه و روی زدونند. فرض کنیم در جامعه ما ثروت همه افراد از روی تلاش، ابتکار و خلاقیت بوده اما این در سایه یک امنیت عمومی صورت گرفته و امنیت عمومی محصول تعامل تمامی اعضای جامعه است. بنابراین همه اعضای جامعه در این محصول اجتماعی سهم دارند. از این رو یکی از مفاهیم اشکال مختلف جوامع و نظام‌های حمایتی بحث حمایت‌های اجتماعی و میزان سهم هر یک از اعضای جامعه است. بنابراین بر اساس این منطق بوده که کره جنوبی وقتی شروع به برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی می‌کند از اصلاحات ارضی و آموزش و پرورش عمومی آغاز می‌کند، برای اینکه افراد بتوانند در فرایندهای تولید محصول اجتماعی شرکت کنند. اگر آدم‌های بی‌انگیزه یا بیکار و بی‌سوادی باشند، نمی‌توانند در زمینه تولید محصول اجتماعی حتی حضور داشته باشند. وقتی در جامعه ما قانون اساسی بر این‌گونه موارد تصریح دارد و دولت را مکلف به ارائه آموزش‌وپرورش، آموزش‌عالی رایگان با هدف ایجاد کار و شغل برای همه می‌کند، این همه نشان از مسئولیت‌های دولت دارد. با اینکه در جامعه ما قانون اساسی این حقوق مسلم را گرفته ولی دولت‌ها زیر آن زده‌اند. این یک خطای استراتژیک است و جامعه را دچار تنگی سیاسی می‌کند، کم‌اینکه امروز کرده است. یک علت اصلی بی‌ثباتی‌ها و ناامنی‌ها فقدان نگاهی جامع و کامل به عدالت اجتماعی است.

دولت‌ها برخی از تعهدات خود را در قانون اساسی نادیده می‌گیرند و علت اصلی آن را هم فقدان منابع اعلام می‌کنند، درحالی‌که این یک نقص بزرگ است. متأسفانه در ایران دولت به‌عنوان یک ماشین بزرگ توزیع منزلت اجتماعی برای عده‌ای درست شده. این ماشین بزرگ خرجی دارد که آن را از منابع بین‌نسلی یعنی نفت و گاز تأمین کرده‌اند. رئیس سازمان مالیاتی کشور قبل از عید مصاحبه‌ای کرده و گفته در ایران فقط بین ۲۰ تا ۲۵درصد تولید ناخالص داخلی کشور، فرار مالیاتی داریم. ما در سال ۱۳۹۲ که رکود اقتصادی داشتیم تولید ناخالص داخلی ۹۳۴ هزار میلیارد تومان بود که رقمی نیست اما ۲۰ درصد آن، یعنی ۱۸۰ هزار میلیارد تومان فرار مالیاتی داریم. در سال ۹۳، ۷۰ هزار میلیارد تومان جمع‌آوری مالیاتی داشتیم که با بودجه کشور در این سال حدود ۲۶۰ هزار میلیارد می‌شود. در هر صورت دولت می‌توانست همه منابع کشور را از اینجا تأمین کند. چه کسانی مالیات نمی‌دهند؟ مالیات کارمند و کارگر که تا ریاال آخر محاسبه می‌شود؟ کسانی که پول‌های کلان کسب‌کرده و در سیستم مالیات نمی‌دهند.

بنابراین مهم‌ترین کارکرد دولت‌های مدرن که جمع‌آوری مالیات و توزیع آن در جامعه است انجام نمی‌شود. همین امسال مدیرکل آموزش و پرورش استان سیستان‌وبلوچستان ادعا می‌کند صد هزار دانش‌آموز واجد شرایط تحصیل در آن استان داریم که به مدرسه نمی‌روند، اینها زنگ خطر برای دولت و جامعه است.

دولتمردان از مسئله عدالت اجتماعی تلقی غلطی دارند

بسیاری از دولتمردان از مسئله عدالت اجتماعی تلقی غلطی دارند؛ چون در نوع نگاهشان مسئله عدالت اجتماعی اصلا وجود ندارد، به کشور آسیب می‌رسانند. تجربه کشورهای جنوب‌شرق آسیا در صنعتی‌شدن، نشان‌دهنده بهره‌گیری از افراد باصلاحیت علمی است. بنابراین از روز اول مسئله آموزش‌وپرورش، اصلاحات ارضی برای یک نظام بازتوزیع که افراد در سطوح مختلف بتوانند در تولید اجتماعی شرکت کنند، درنظر گرفته شد و به همین دلیل امروزه مسئله رشدی که مطرح است

اقتصاد

بی‌اعتنایی به عدالت اجتماعی مخرب است



عکس: ایسنا

رشد فراگیر است. چیزی که در جامعه ما فقط روی جنبه کمی رشد آن بحث می‌شود؛ به اینکه محصول این رشد چگونه توزیع شود و در تولید این رشد چه کسانی شرکت دارند توجه نمی‌شود. مسئله ما این است که گزارش دهمیم چهار درصد رشد اتفاق افتاده اما مشخص نیست این رشد از کجا تأمین شده؟ آیا فقط نفت ما افزایش پیدا کرده یا اینکه به صنایع مربوط بوده؟ دو محور اصلی رشد اقتصادی در ایران نفت و گاز و صنایع خودروسازی است. برنده این رشد اقتصادی در صورت صحت کیست؟ در اقتصاد ما کسانی هستند که از ساخت قدرت و از سیاست آمده‌اند. این مسئله اصلی‌ترین مانع تحقق عدالت اجتماعی در ایران است. بنابراین چون از موضع شخصی خود که سیاستی اقتصادی است به مسائل نگاه می‌کنند، اصلا امکان تحقق عدالت اجتماعی در چنین شرایطی منتفی است. بنابراین نوعی بازنگری در چگونگی مصرف و توزیع منابع بین‌نسلی مانند نفت و گاز باید صورت بگیرد. تحلیل من این است که یکی از دلایل تفاهم ۵+۱ با ایران، بازداشتن ایران از توسعه صنعتی است. برای اولین‌بار در چندین‌سال پس از جنگ این مسئله به‌طور جدی در بودجه امسال مطرح می‌شود که امسال چون درآمد نفتی وجود نداشت، باید گزینه‌های دیگر را برای اداره جامعه دنبال کنیم. امروز وقتی بحث اداره کشور بدون نفت به میان می‌آید، اصلی‌ترین منبع فساد در ایران رانت‌های نفتی است. بنابراین وقتی این درآمد خشک شود یا در اختیار دولت نباشد، این امکان فراهم می‌شود گزینه‌های دیگری را مدنظر قرار دهد که به‌تبع آن فساد مالی هم کاهش پیدا می‌کند. منتها تحقق این امر یعنی حمایت از تولید که اصلی‌ترین شعار اقتصاد مقاومتی است، فقط با شعار امکان‌پذیر نیست. این امکان فراهم نیست که بخش خصوصی بتواند در این فضا فعال باشد. اعتبارات بانکی اگر وجود داشته باشد به بخش خصوصی مولد نمی‌رسد و به بخش‌های غیرمولد واگذار می‌شود. بنابراین بخش خصوصی مولد، انگیزه‌ای برای حضور نخواهد داشت. پس اشتغال مولد به اندازه کافی نخواهد بود.

نگران بخش اختصاصی هستند نه بخش خصوصی

به‌این‌ترتیب، بخش خصوصی‌ای ایجاد می‌شود که سهم مناسبات نادرست آنها را

فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله ای

شرکت شهرک های صنعتی استان سمنان در نظر دارد مناقصه یک مرحله ای تکمیل ساختمان کسب و کار در شهرک صنعتی سمنان به شماره ۹۴/۲ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.
کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارایه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.
تاریخ انتشار مناقصه در سامانه ۹۴/۲/۱۷ می باشد.

برآورد اولیه و محل تامین اعتبار: مقطوع و از محل اعتبارات داخلی

شرایط متقاضیان: پیمانکاران دارای رتبه حداقل ۵ رشته انبیه از معاونت برنامه ریزی و راهبری ریاست جمهوری و دارای سابقه کار

مبلغ سپرده شرکت در مناقصه:۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال

مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت: از ساعت ۱۰ صبح تاریخ ۹۴/۲/۱۷ تا ساعت ۱۹ تاریخ ۹۴/۲/۲۳

مهلت زمانی ارایه پیشنهاد: تا ساعت ۱۴ صبح مورخ ۹۴/۳/۳

زمان بازگشایی پاکت‌ها: ساعت ۸ صبح مورخ ۹۴/۳/۴

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارایه پاکات:

آدرس: سمنان میدان استاندارد، کدپستی ۳۵۱۵۹_۸۳۶۱۱ و تلفن ۳۳۳۷۰۷۲۳_۰(۲۳)

اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه:

مرکز تماس ۲۷۳۱۳۱۳۱

دفتر ثبت نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸

ادامه از صفحه ۵

نمک‌زدایی آب وتولیدبرق از طریق خورشید

● حتی دریاچه‌ای با عظمت دریاچه ارومیه حالا در کمایی است که بی‌برگشت می‌نماید. پربیراه نیست اگر بگویم هرسال از حجم درس «جغرافیا» کاسته و بر حجم «تاریخ» افزوده می‌شود! حدود دوسوم از منابع آب زیرزمینی این سرزمین، به‌دلیل وجود حدود ۶۵۰ هزار حلقه چاه غیرمجاز و شیوه غلط کشاورزی، ازبین‌رفته‌اند و با همین روند، ایران در یک دهه آینده خشک‌تر از برخی سرزمین‌های بسیار خشک آفریقایي خواهد شد. پیش‌تر بر راهکارهایی مانند مهار آب‌های سطحی از طریق سدسازی تاکید می‌شد اما حالا بر همان مسلم است «از کف دستی که مو ندارد، نمی‌توان مویی کند!» در میانه این همه در بسته، آیا روزنه امیدی هویدااست؟ آيا رحمت الهی، که نام دیگر باران و برف در ادبیات ماست، حقیقتا درحال کاهش است و باید به شکوه از پروردگار روی آورد یا می‌توان چشم‌ها را شست و جور دیگر دید؟ اگرچه مشکل در جغرافیای ایران است اما راه‌حل نیز در همان‌جاست! ایران از جنوب به حجم پایان‌ناپذیری آب شور دسترسی دارد که ظاهرا دواى هیچ دردی نیست. از طرف دیگر، بخش بزرگی از این سرزمین تقریبا در تمام طول سال زیر تابش شدید خورشید قرار دارد. خورشیدی که در فرهنگ و ادبیات ما هرگز رحمت الهی به حساب نیامده است! حالا شما قضاوت کنید؛ آیا درست است که در قرن بیست‌ویکم، مردمان سرزمینی که آب شور و تابش آفتاب را به‌شکل نامحدود دراختیار دارند، از خشک‌سالی ببالند و به درگاه باری‌تعالی شکایت کنند؟ اخیرا آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) در مقاله کوتاهی به تشریح نتایج یک مطالعه درخصوص استفاده از انرژی خورشیدی به منظور شیرین‌سازی آب شور و تولید همزمان برق و بخار دمابالا (قابل مصرف در برخی فرایندهای صنعتی) پرداخته است. در این مقاله آمده است: «بسیاری از کشورها و مناطقی که بیشترین ساعات تابش خورشیدی را در سال دارند، از کمبود منابع آب شیرین رنج می‌برند. پروژه «سازگارسازی توان خورشیدی و سیستم‌های شیمیایی انرژی» (SolarPACES IA) می‌گوید با تجمع امتیازات بخار دما بالا و برق حاصل از مجتمع‌های «توان خورشیدی متمرکز» یا (CSP) به تصفیه فاضلاب و حرکت بخشی به فرایندهای نمک‌زدایی از آب دریا پیرازد، با استفاده از بخار خروجی از مجتمع‌های CSP، نه‌تنها می‌توان بهره‌وری کلی از انرژی را بهبود داد بلکه می‌توان به شکل مؤثری از انتشار گازهای گلخانه‌ای در جو جلوگیری کرد. با وجود برخی محدودیت‌ها، تخمین زده شده که می‌توان در مجموع نوا‌های ساحلی مصر، دریای سرخ و خلیج‌فارس ۱۰۴ گیگاوات برق تولید و روزانه از ۸۰۳ میلیون مترمکعب آب نمک‌زدایی کرد». (این میزان برق، معادل تولید برق ۱۰ نیروگاه به بزرگی نیروگاه اتمی بوشهر است. همچنین سرانه مصرف آب در بخش خانگی در ایران حدود ۲۰۰ لیتر در روز است، پس این میزان نمک‌زدایی از آب می‌تواند تأمین‌کننده مصارف خانگی ۴۱۰۵ میلیون ایرانی باشد؛ یعنی نیمی از جمعیت فعلی ایران!) حالا تصور کنید اگر در استانی مانند سیستان‌وبلوچستان یا کرمان، آب شیرین به‌وفور موجود باشد و برق ارزان هم در دسترس، علاوه بر ارتقای کیفیت زندگی مردم، آیا نمی‌توان این استان‌ها را به قطب‌های تولید برای راه‌اندازی یک گلخانه به چه چیز دیگر نیاز است؟ به عبارت بهتر، با یک برنامه‌ریزی و همکاری بین‌بخشی در دولت و نیز بین دولت و ملت می‌توان چهره چنین استان‌هایی را تغییر داد و محرومیت را از آنان زدود. با وجود چنین پتانسیلی، آیا شکوه از جغرافیای ایران هنوز هم عملی منطقی است؟

«کارشناس ارشد مهندسی سیستم‌های انرژی